انتشار کلیپ مبتذل ساسی مانکن، بحران انفعال دستگاه‌های فرهنگی و پشت صحنه کارتل‌های اقتصادی شرط‌بندی را به رخ کشید

چالش مانکن

تیزر یک قطعه موسیقی به‌نام «تهران توکیو» از ساسی مانکن در صفحه شخصی‌اش منتشر شده است. نزدیک به ۶ میلیون نفر از این تیزر ۲۸ ثانیه‌ای بازدید کرده‌اند. حدود ۱۲۰ هزار کامنت زیر این پست دیده می‌شود که اکثر آنها تعریف و تمجید از این قطعه است و در میان آنها بازیگران و چهره‌های مشهوری دیده می‌شوند که داخل ایران فعالیت می‌کنند و در پست‌ها و استوری‌های خودشان از اخلاق و هنر فاخر و توجه به نسل‌های جدید می‌گویند.

این قطعه با حضور یک ستاره مشهور فیلم‌های پورن و بازسازی سکانس معروف فیلم «ابد و یک روز» ساخته شده است. باتوجه به اسم قطعه، احتمالا بخش‌های دیگری از آن در توکیو ساخته شده و مانند اکثر قطعات ساخته‌شده توسط ساسی، ملغمه‌ای است از الفاظ رکیک و اسامی مخرب یا مواد مخدر و بعضی ارجاعات گل‌درشت سیاسی و بی‌فایده. مساله عجیب، تلخ و مهم اما واکنش‌های مثبت و دفاعیات غیرقابل توجیه بخش اعظمی از مردمی است که در داخل ایران زندگی می‌کنند و با استدلال «همه باید فرصت فعالیت داشته باشند» زیر پست تیزر قطعه جدید ساسی، از آن دفاع می‌کنند. آنهایی که خودشان فرزند دارند، اما آنقدر مطالعه ندارند که بدانند در همه‌جای جهان، قانون دربرابر محتواهای غیراخلاقی و به‌طور خاص پورن از کودکان و نوجوانان دفاع می‌کند و حتی در آزادترین کشورها هم از حریم کودک و نوجوان به‌شدت و قاطعانه دفاع می‌شود.برخی معتقدند باید بین قطعه موسیقی و نماهنگ آن تفاوت قائل شد و گروهی دیگر اما ارائه توام آن توسط خواننده را آگاهانه و حساب‌شده می‌دانند و مرزی بین صدا و تصویر این قطعات قائل نیستند. فارغ از این تحلیل‌ها در فرم اما بهتر است کمی به صورت‌مساله بپردازیم.

یک خواننده جوان که در دهه۸۰ و به همراه گروهی از دوستانش، قطعاتی را تولید و در شبکه‌های فارسی زبان پخش می‌کرد، آنقدر محبوب شد که برای یکی از کاندیداهای انتخابات پرسروصدای ۸۸ قطعه مخصوص تولید و حتی از او حمایت کرد. پس از مدتی و درحالی‌که چندان در داخل موفق نبود، مهاجرت کرد و بعد از تولید و پخش قطعات مختلف، در سال ۹۷ و با آهنگ «جنتلمن» مجددا مشهور شد و شنیده شدن میلیونی این قطعه در داخل دوباره او را سر زبان‌ها انداخت و تغییرات مالی و جایگاهی مثبت برایش رقم زد. استقبال از این آهنگ از طرف کودکان و نوجوانان به‌حدی بود که حتی پای آن به مدرسه هم باز و به مناسبت روز معلم! از بلندگوی برخی مدارس پخش شد؛ اتفاقی که منجربه تغییر چند مدیر مدرسه شد و این خواننده ادعا کرد حتی استعفای وزیر آموزش‌وپرورش هم به آهنگ او ربط دارد.

ساسی اسفند سال گذشته و همراه با تعدادی از خوانندگان مشهور آن‌طرفی به عربستان سعودی رفت و اصرار داشت که پس از انتشار آهنگ «دکتر» در روزهای ابتدایی کرونا، کارنامه خود را سیاه و سیاه‌تر کند. دریافت پول از سعودی‌ها هم با واکنش‌های اغلب منفی مواجه شد، اما قطعه «دکتر»ش با نمایش عریانی بیشتر و ابتذال در کلام و ملودی طرفدارانی هم در داخل داشت. تعداد این طرفداران البته نسبت‌به «جنتلمن» کمتر شده بود، اما همچنان غالب این هواداران، کودکان و نوجوانان و درنهایت دانش‌آموزان بودند. آنهایی که سهمی از موسیقی داخلی نداشتند و آنچه در حوزه موسیقی برایشان در شبکه‌های «پویا» و «نهال» پخش می‌شد، چیزی شبیه به شوخی بود. گروهی دیگر مثل همیشه قائل به محدودکردن فضای مجازی و اینستاگرام بودند و خبری از واکاوی و بررسی فنی و ارائه راهکارهای همراه با مطالعه و نه احساسی، نبود.

دست به دامن ابتذال

موسیقی در داخل و خارج از کشور اوضاع خوبی ندارد و کارشناسانش معتقدند پول، این وضعیت را به‌وجود آورده است. بنگاه‌های شرط‌بندی، برای کسب درآمد بیشتر هر کاری می‌کنند و نشان دادند که هم می‌توانند خوانندگان مشهور آن‌طرفی را جذب کنند و هم خوانندگان دسته‌چندم داخلی را. حالا و پس از حضور یک ستاره پورن در کلیپ تازه ساسی، عده‌ای می‌گویند همه اینها می‌تواند قطعاتی از یک پازل بزرگ باشد که هدفش درنهایت جذب دنبال‌کننده‌های بیشتر و درپی آن، کسب درآمدهای هنگفت باشد. اما سوال اصلی این است که در حوزه و بازار موسیقی داخلی ما چه اتفاقاتی افتاده است که قطعات ضعیف و مبتذلی مانند «دکتر» و«تهران توکیو» ساخته می‌شود و خیال سازندگانش هم راحت است که در داخل ایران با استقبال مواجه می‌شوند. نکته جالب اما اینجاست که مدیران موسیقی ارشاد ادعا دارند که در ارائه مجوزها سعی کرده‌اند به نیازهای نسل جدید توجه کنند و با تسامح به برخی ترانه‌ها و تنظیم جواز بدهند. قطعه تازه ساسی مانکن، یک ابتذال کامل است و مخاطب آگاه، این سوال جدی و ترسناک را از خودش دارد که قدم بعدی این مسیر چیست و کجاست؟ خانواده‌ها قرار است خودشان را برای چه پدیده تازه‌ای آماده کنند؟ آیا تنها راه چاره به قول مدیر شبکه پویا، شکایت از این خواننده است؟ آیا این مدیر و مدیران دیگر نباید پاسخگوی وضعیت فعلی موسیقی و سلیقه کودکان و نوجوانان ما باشند؟ الان دیگر صرفا مساله ابتذال کلام و ریتم در میان نیست و پای مسائل جنسی و آموزش و الگوسازی‌های غیرمستقیم و مستقیم در میان است. بازی ترویج بی‌بند و باری و تبلیغ آن با استفاده از ستاره‌های مشهور پورن، درنهایت به ضرر این خواننده و دست‌اندرکاران پشت‌پرده تمام می‌شود، زیرا سابقه تاریخی ایرانیان نشان می‌دهد برخلاف آنچه در رسانه‌های مجازی و ماهواره‌ای مطرح می‌شود، نسبت‌به این موضوع، هنوز هم حساسیت‌های زیادی وجود دارد و تحلیل درستی از آن‌سو نسبت‌به جامعه ایرانی وجود ندارد.

درنهایت شاید گفتنش تلخ باشد، اما داستان این است که یک جوان که در داخل ایران مشهور شده و رشد کرده، می‌تواند با انتشار یک قطعه درطول سال، چنان فضا را آلوده و پیچیده کند که ده‌ها دستگاه و رسانه مرتبط و غیرمرتبط به آن واکنش نشان دهند و درنهایت به یک تصمیم قاطع و منطقی نرسند. ساسی مانکن در سه سال اخیر، سه قطعه جنجالی منتشر کرده که هر سه آنها پرطرفدار و محبوب بوده و در این سه سال، اتفاق خاصی برای مقابله فرهنگی و موسیقایی با او نیفتاده است.

اسلامی ندوشن؛ سلطان نثر پارسی

حال که خوشبختانه خبر درگذشت دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن - نویسنده، فردوسی‌پژوه، حقوق‌دان و سخن‌شناس برجستهٔ ایرانی - تکذیب شده ... نیکوترین فرصت فراهم است تا از او بنویسیم که بی هیچ اغراق و گزافه‌گویی توصیف «سلطان نثر پارسی» او را می‌سِزَد و می‌برازَد.

سال‌ها پیش که دوستی از من خواست دو الگوی درست و پاکیزه‌نویسی را معرفی کنم، بی‌هیچ درنگ و تردیدی گفتم نخست و بی‌گمان «گلستان سعدی» که جدای محتوا و حکایت‌ها - که به هر حال به عصر پیشامدرن تعلق دارد - به لحاظ نثر و شیوهٔ نوشتن، پارسی معیار است و اگر به جای دروس متفرقه در سال‌های تحصیل، بچه‌های ما بارها و بارها گلستان سعدی را می‌خواندند، چنان ملکهٔ ذهن‌شان می‌شد که به امروزی نمی‌رسیدیم که از عهدهٔ نوشتن یک متن ساده یا دو خط پاکیزه و شسته و رُفته برنیایند ولو اکنون این کاستی، پشت الزامات و نوآوری‌های فضای مجازی پنهان شده باشد. پس از سعدی و در روزگار ما باز بی‌هیچ تردید و گمان، آثار اسلامی ندوشن و از میان همهٔ آنها، کتاب «روزها» و باز از جمع ۴ جلد آن، نخستین مجلد بهترین الگوست.

خوشبختانه در این فقره تدوین‌کنندگان کتب درسی، سلیقه به خرج داده‌اند و بخش‌هایی از جلد نخست «روزها» - روایت کودکی استاد در «ندوشن» با زیباترین توصیفات - به کتاب‌های درسی راه یافته و یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های نثر معاصر و بلکه تاریخ نثر، پیش چشم فرزندان ماست.

اسلامی ندوشن، درست و پاکیزه می‌نویسد؛ بی آن که به وادی سره‌نویسی - حذف کامل تمام واژگان عربی ولو فارسی‌شده‌ها - بیفتد و این سخن خود اوست که «این احساس خشنودی را نمی‌توانم پنهان دارم که طی این نیم قرن کسی بوده‌ام که بیش از هر کس دیگر دو کلمهٔ «ایران» و «فرهنگ» بر قلم او رفته است.» این را هنگامی بیشتر درمی‌یابیم که بدانیم دکتری حقوق بین‌الملل از دانشکدهٔ حقوق پاریس گرفته بود و در بازگشت، قاضی دادگستری شد اما عمر و زندگی خود را یک سر وقف زبان و ادب پارسی و ایران کرد.

دعوت او به دانشگاه تهران البته از موقع‌شناسی و خدمات پرفسور فضل‌الله رضا در دوران کوتاه و بسیار پربار ریاست او بود که مروارید صید می‌کرد و اسیر مدرک مرتبط نبود و اگر حمایت او نبود چه‌بسا امکان تدریس اسلامی ندوشن در عالی‌ترین سطح ادبیات دانشگاه با آن همه مدعی فراهم نمی‌شد؛ چرا که دانش‌آموختهٔ حقوق و قاضی بود و هنوز به عنوان چهره‌ای آکادمیک شناخته نمی‌شد.

اسلامی ندوشن در روزگاری به نثر شسته و رفته و بی‌تکلف روی آورد که پاره‌ای گمان می‌داشتند هر چه پیچیده‌تر و مبهم‌تر بنویسند یا از واژگان زبان‌های دیگر وام بگیرند سخن آنان فاضلانه‌تر در نظر می‌آید و برخی هم البته از آن سوی بام می‌افتادند و می‌پنداشتند می‌توانند زبان پارسی را از هر چه کلمهٔ عربی است، بپیرایند. (در این تعبیر اخیر البته هرگز دکتر کزازی گرامی را مراد ندارم که خود پیش‌تر دربارهٔ او نوشته‌ام با توصیف «فردوسی؛ بی‌ردا و دستار»؛ چرا که داستان او جداست چون قابلیت زبان و زایش آن را به نمایش می‌گذارد.)

دربارهٔ شیوهٔ نثر اسلامی ندوشن هیچ توضیحی حق مطلب را ادا نمی‌کند، جز تشبیه به سخن سعدی که سهل و ممتنع است. یعنی آن قدر ساده که گمان می‌بری تو هم می‌توانی و ممتنع بدین سبب که وقتی خود بخواهی چنان بنویسی تازه دشواری‌های آن ساده‌نویسی را درمی‌یابی تا بدانی ساده‌نوشتن، دشوارترین کارهاست!

بهترین نمونه چنان که گفته شد کتاب «روزها» است و اگر نخوانده‌اید، همین حالا سراغ آن را بگیرید. نمی‌گویم تمام ۴ جلد را بخوانید. کافی است یک جا را باز کنید و تنها از حیث نوع نگارش، صفحاتی را بخوانید و غرق لذت شوید. خصوصا جلد اول که فقر مطلق در محل زندگی در کودکی را نیز با زیباترین کلمات و بی هیچ خشم و خشونت و تلخی وصف کرده است؛ جایی که نه از لقمه‌ای نان که از قطره‌ای آب، هم خبری نبوده است.

یا «صفیر سیمرغ» را که در سال‌های پیش از انقلاب و در بازگشت از سفری اروپایی نوشته و به دانمارک و خیابانی در کپنهاگ که می‌رسد ماجرای بازار لوازم و آدمیان تن‌کامه را به گونه‌ای روایت کرده که با معیارهای امروز ممیزی هم قابل چاپ است و نه ذره‌ای از حریم اخلاق فراتر رفته نه از وصف کم و کیف ماجرا بازمانده است!

جدای نثر، که بهانهٔ اصلی این نوشتار است، اسلامی ندوشن به جای درغلتیدن به دام ایدئولوژی‌ها و تنگ‌اندیشی‌ها همواره از ایران نوشته است.

اینها اکنون به نظر ساده می‌رسد اما باید به یاد آوریم که در سال‌های پیش از انقلاب و با تفوق گفتمان چپ، از ایران گفتن این تصور را پدید می‌آورد که گوینده با باستان‌گرایی پهلوی‌ها هم‌داستان است و به همین خاطر تا سال‌ها بعد از انقلاب نام «کورش» هم برای فرزندان انتخاب نمی‌شد تا آیندهٔ آنان در نظام جدید که ناسیونالیسم ایرانی را خوش نمی‌داشت، به مخاطره نیفتد.

پس از انقلاب هم از ایران گفتن و نوشتن، تلقی ملی‌گرایی ایجاد می‌کرد و در دههٔ نخست واژهٔ ایران را کمتر می‌شنیدیم؛ تا جایی که در توصیف تیم ملی فوتبال ایران هم برخی گزارشگران از عبارت «تیم ملی جمهوری اسلامی» استفاده می‌کردند و از سال‌های سازندگی به این سو بود که دوباره نام «ایران» بر سر زبان‌ها افتاد.

تعجب می‌کنید! حق هم دارید و لابد می‌پرسید پس آن روزها سالار عقیلی چه می‌کرد و تلویزیون به جای «ایران، فدای اشک و خندهٔ تو» چه پخش می‌کرد؟ صدای زیبای آقای گلزار را با آن نوع خاص ادا کردن حرف «سین».

با این همه ایران‌دوستی و ایران‌نویسی اسلامی ندوشن از جنس نظریهٔ «ایرانشهر» دکتر سیدجواد طباطبایی یعنی متضمن تلاش برای حل فرهنگ‌های متنوع در دل یک مفهوم بزرگ‌تر نبوده است و از این نظر نه تنها با ناسیونالیسم و باستان‌گرایی افراطی که با ایرانشهر هم متفاوت است چون از انکار یا تحقیر یا انحلال فرهنگ‌ها در آن نشانی نیست.

اسلامی ندوشن، استاد ممتاز دانشگاه و دانش‌آموختهٔ حقوق در عالی‌ترین سطوح بود و اگر می‌خواست می‌توانست به جایگاهی مانند دکتر پرویز ناتل خانلری هم دست یابد اما با دستگاه استبداد و سانسور درنیامیخت و اگرچه اهل سیاست به مفهوم فنی کلمه نبود اما علاقهٔ خود به دکتر محمد مصدق را - که امروز سالروز درگذشت اوست - پنهان نمی‌کرد. او که در سال‌های آغازین دههٔ ۳۰ خورشیدی و هم‌زمان با جنبش ملی‌شدن صنعت نفت برای تحصیل در فرانسه به سر می‌بُرد، در جلد سوم «روزها» می‌نویسد:

«در ماجرای مصدق گناه، متوجه سردمداران بود: چه کوفی‌صفتانِ دنیادار، چه گرایندگان ضعیف‌النفس، چه کهنه‌حریفانی که نفسِ روی‌آوری به کشور و مردم را عبث و بدعاقبت می‌دانستند.

مصدق، نماینده آرزوی فروخوردهٔ مردم قرار گرفت که می‌خواستند کمر راست کنند. می‌خواستند از زیر بار تحقیر بیرون آیند. ایرانی، مردِ «نقطه اوج» است. سال‌ها تحمل می‌کند و چون فشار به نقطه نهایی رسید، وارد عمل می‌شود. چون در نهضت مصدق، اصالت بود، مردم به حرکت آمدند. چندی ایرانی احساس غرور کرد، زیرا امید داشت یوغِ کهنه‌کارترین نیروی استعماری را به دور افکنده است.

وی تصویر ایران را در خارج تغییر داده بود. ایران، دیگر آن ایرانِ رنگ و رو رفته نبود که در اروپا و آمریکا با «ایراک» (iraq) اشتباه بگیرند. پیش از آن عراق از ایران معروف‌تر بود؛ شاید برای آن که ایران نام جدیدیِ بود و کلمه پرس (perse) هم طنین خیلی کهنی داشت که به دورهٔ هخامنشی سر می‌زد. ایران در عصر جدید، کشوری بود که به گربه و قالی شناخته می‌شد.

اکنون دیگر روزنامه‌ها از ایران می‌نوشتند و رادیوها از آن حرف می‌زدند. دانشجویان ایرانی مقیم خارج نوعی احساس سربلندی داشتند، البته به غیر از توده‌ای‌ها و سلطنت‌طلبان که چوب لای چرخ می‌گذاشتند. نظری که دانشجویان چپ ایرانی داشتند، از روزنامهٔ «اومانیته» گرفته می‌شد، و گوشِ اومانیته هم به مسکو بود.»

خوشا که اسلامی ندوشن چنان درست و پاکیزه زیسته که اگر بپرسند چگونه می‌توان زیست می‌توان او را مثال آورد. چگونه می‌توان اندیشید؟ چون او. چگونه بنویسیم؟ چون او.

اینها همه البته به لطف همراهی و وفاداری بانویی فراچنگ آمده که شخصیت فرهنگی خود او تحت‌الشعاع همسری دکتر اسلامی ندوشن قرار گرفته است: خانم دکتر شیرین بیانی.

خوشبختانه همین دو ماه پیش و در شامگاه ۲۱ دی ۱۳۹۹ یکی از شب‌های بخارا (که به همت سترگ علی دهباشی عزیز که این روزها گرفتار کروناست برپا می‌شد) به خانم بیانی اختصاص یافت تا او را فارغ از همسری اسلامی ندوشن نیز بشناسیم.

نکتهٔ پایانی هم این که هفته پیش با دوست نازنین و تاریخ پژوه - دکتر رضا شاه‌ملکی - قرار دیداری در خیابان وصال داشتم و چون به کافه ققنوس رسیدم و تماس گرفتم و پرسیدم شما کجا هستید؟ پاسخ داد: درست کنار سردیس (مجسمه) اسلامی ندوشن در سر خیابانی که به نام اوست.

یادم آمد که شورای شهر تهران همین تازگی همت کرده و نام خیابان فرعی «شاهد» در خیابان وصال را به «اسلامی ندوشن» تغییر داده اگر چه سهم او و حق او بسا بیش از یک خیابان فرعی است اما همین که در حیات او اتفاق افتاد و همراه با نصب سردیس، کار درخوری بود وگرنه ماندگاری نام او بسته به این نیست که بر تارک خیابانی نشسته باشد یا نه؛ چرا که نام او که برگرفته از روستای ندوشنِ میبدِ یزد است از جغرافیای ایران فراتر رفته و گسترهٔ ایران فرهنگی را درنوردیده است.

فارسی آموز یونانی؛ بان فارسی باعث آرامش روحی من شد

به نقل از روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، خانم لیلجان لزری پس از گذراندن موفقیت آمیز دوره‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی در رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آتن موفق به دریافت تاییدیه پایانی سطح پیشرفته شد. وی ضمن حضور در نمایندگی فرهنگی و دیدار با رایزن فرهنگی کشورمان در یونان، با زبان فارسی تجربیات خود در این این چهار سال را بیان کرد.

خانم لزری که اصالتاً آلبانیایی و ساکن یونان است با اشاره به اهمیت یادگیری زبان فارسی در جامعه امروز یونان گفت: یادگیری زبان فارسی به دلیل حضور مهاجران فارسی زبان در یونان و حتی سایر کشورها اروپای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیاز برای ارتباط با این افراد به خوبی در این کشور حس می‌شود.

زبان فارسی بسیار آهنگین و دلنشین است

لرزی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ویژگی‌های زبان فارسی گفت: من پنج سال پیش در یکی از مراکز آموزشی زبان یونانی و انگلیسی به عنوان معلم زبان یونانی استخدام شدم و وقتی برای اولین بار فارسی را شنیدم عاشق این زبان شدم و به نظرم زبان فارسی بسیار آهنگین و دلنشین آمد.

این فارسی آموز یونانی در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه زبان فارسی برایش فرصت‌های شغلی خوبی را فراهم آورده است، ادامه داد: اولین جرقه در ذهنم برای یادگیری این زبان بود. شاید دلیل دیگری هم برای شروع یادگیری این زبان داشتم و آن هم فرصت شغلی بهتر در یونان بود. همه این موارد دست به دست هم دادند و من به صورت خود آموز برای یادگیری این زبان اقدام کردم؛ ولی به دلیل عدم وجود مواد درسی کافی بسیار زود ناامید شدم تا اینکه از سایر دوستانم شنیدم که رایزنی فرهنگی ایران کلاس‌هایی را برگزار می‌کند و من هم در این کلاس‌ها ثبت نام کردم و امروز پس از گذشت پنج سال موفق به یادگیری کامل این زبان شده‌ام و با شما به راحتی به زبان فارسی صحبت می‌کنم.

وی افزود: به منظور پیشرفت در کار و فرصت‌های بهتر شغلی شروع به یادگیری این زبان کردم. شاید این نکته‌ای که می‌خواهم به شما بگویم جالب باشد. در ابتدا فقط به چشم فرصت شغلی به این زبان نگاه می‌کردم، اما به مرور زمان متوجه تاثیر این زبان بر روحیاتم شدم. در برهه‌ای از زمان که مشکلات مالی و روحی شدیدی داشتم متوجه شدم که هرچه بیشتر به این زبان نزدیک می‌شوم، علاقه و عشقم به آن بیشتر شده و این زبان به شکل معجزه آسایی سبب آرامش درونی و روحی من می‌شود. فکر می‌کنم فارسی زبانی است که سبب بروز آرامش در انسان می‌شود و یکی از راه‌های برون رفت از شرایط سخت امروز برای من خواندن و حرف زدن به زبان فارسی است. زندگی من با آموختن این زبان هم از لحاظ مالی و فرصت شغلی و هم از لحاظ روحی دگرگون شده و این زبان شادی و آرامش را به من و خانواده‌ام هدیه داده است.

لرزی در ادامه سخنان خود خطاب به رایزن فرهنگی کشورمان گفت: من واقعاً از شما بابت فرصتی که برای ما فراهم کرده‌اید بسیار متشکرم و همچنین از اساتید مرکز شما هم به نوبه خود تشکر و قدردانی می‌کنم که با صبر و تحمل بسیار زیاد و با عشق و علاقه وافر به ما این زبان باستانی و زیبا را یاد دادند.

اخبار

در دیدار جعفر روناس و کامران لاشاری مطرح شد؛

عزم ایران و پاکستان در شناسایی میراث ملموس دو کشور

جعفر روناس وابسته فرهنگی و مسئول خانه فرهنگ سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در لاهور و کامران لاشاری مدیرکل «اداره منطقه قدیمی لاهور» (Walled City of Lahore Authority) ساعت ۱۳ روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ماه ۹۹ برابر با سوم مارس ۲۱ دیدار و بر تقویت همکاری فیمابین در حوزه‌های گردشگری، فرهنگی و هنری توافق کردند.

جعفر روناس در این دیدار در ابتدا با اشاره به پتانسیل‌های موجود بین دو کشور همسایه و برادر برای توسعه روابط فرهنگی و هنری به شباهت‌های اماکن تاریخی دو کشور پرداخت و گفت: به دلیل تجربه‌های ارزشمند جمهوری اسلامی ایران در حوزه مرمت و بازسازی آثار باستانی و تاریخی، آمادگی تبادل تجربیات برای بازسازی مکان‌های تاریخی را داریم.

وابسته فرهنگی و مسئول خانه فرهنگ سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران با اشاره به سنگ نوشته‌های پرتعداد به زبان فارسی در اماکن تاریخی لاهور گفت: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور در نظر دارد فیلمی مستند درباره فارسی نوشته‌های اماکن تاریخی شهر لاهور تهیه کند و بدین منظور نیاز به هماهنگی و مساعدت آن اداره دارد. کامران لاشاری نیز در این دیدار، با بیان اشتراکات عمیق فرهنگی تاریخی زبانی و هنری بین ایران و پاکستان گفت: زمانی که با دوستان و اتباع ایرانی ملاقات می‌کنیم احساس دوستی عمیق چند دهه ساله را در خود احساس می‌کنیم. وی با بیان نقش پررنگ سلسله گورکانیان هند در ترویج فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در شبه قاره هند گفت: در جای جای منطقه قدیمی شهر لاهور آثار و تمدن ایرانی با سنگ نوشته‌هایی به زبان فارسی وجود دارد.کامران لاشاری در ادامه ضمن بیان جایگاه و نقش شخصیت‌های مذهبی و عرفای ایرانی در ترویج دین اسلام در شبه قاره هند، به ده‌ها اماکن تاریخی از جمله مسجد وزیر خان، داتا گنج بخش، مسجد و قلعه پادشاهی با اشعار عرفانی کنده کاری شده اشاره کرد و افزود: بسیاری از بازدید کنندگان معنی عرفانی این اشعار را به خوبی نمی‌دانند به همین منظور اداره منطقه قدیمی شهر لاهور بنا دارد تابلوی ترجمه همه این کنده کاری‌ها با دارا بودن معانی دقیق عرفانی به زبان اردو در کنار این اماکن نصب کند، برای تحقق این ایده از خانه فرهنگ ایران می‌خواهیم ما را در این مسیر یاری کند.

مدیر کل اداره منطقه قدیمی لاهور همچنین با بیان اینکه اداره منطقه قدیمی لاهور در نظر دارد در ماه اکتبر سال جاری به مدت چند روز دوران باشکوه سلسله گورکانیان هند را در محوطه درونی قلعه پادشاهی شبیه سازی و بازسازی کند گفت: به دلیل اشتراکات ریشه دار تاریخی و فرهنگی بین دو کشور، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ما را در اجرای هر چه بهتر این طرح همراهی کند.

مسئول فعال در حوزه فرهنگ و هنر پاکستان در ادامه با بیان اینکه از تبادل امور فرهنگی، هنری و گردشگری با جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کنیم گفت: سفر هنرمندان ایرانی در حوزه موسیقی، خطاطی و نقاشی می‌تواند به پویایی و توسعه همکاری‌های دو جانبه منجر شود.

کامران لاشاری در پایان این ملاقات از جعفر روناس وابسته فرهنگی و مسئول خانه فرهنگ سرکنسول ایران برای شرکت در برنامه‌های فرهنگی در منطقه قدیمی شهر لاهور دعوت به عمل آورد.

لازم به ذکر است، کامران لاشاری مدیریت پاسداری و نگهداری از میراث فرهنگی و تاریخی شهر لاهور در منطقه قدیمی این شهر که زمانی در داخل دیواری بزرگ با دروازه‌هایی متعدد محصور بود بر عهده دارد.اداره منطقه قدیمی شهر لاهور که در سال ۲۰۱۲ با تصویب قانونی در مجلس محلی ایالت پنجاب تاسیس شد، وظیفه بازسازی، نوسازی و نگهداری ده‌ها امکان تاریخی از جمله مسجد پادشاهی، قلعه پادشاهی، باغ شالیمار، مزار نور جهان، مزار جهانگیر، مزار قطب الدین ایبک و مسجد وزیر خان را بر عهده دارد. کامران لاشاری پس از اولین سفر خود در زمان دانشجویی تا کنون چندین بار به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده است و به گفته خود خاطرات خوبی و به یاد ماندنی از ایران دارد.

اسماعیلی در نقد کتاب سروش محلاتی:

استدلال های غیر واقعی درباره جمهوری اسلامی جفا به نظام است

نشست علمی نقد کتاب «دین و دیکتاتوری» نوشته سروش محلاتی به همت مرکز فرهنگی دانشگاهی امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی با حضور اساتید درس اندیشه ها و وصایای امام خمینی(ره) به صورت آنلاین برگزار شد.

در این جلسه محمد مهدی اسماعیلی عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران ابتدا به بیان چند نکته مقدماتی درباره جریان‌شناسی این نحله روشنفکری دینی که غالباً متاثر از تفکر مرحوم منتظری است پرداخت.

وی با بیان اینکه سروش محلاتی در یک دهه اخیر از مدرسان فعال در حوزه روشنفکری دینی است افزود: سایه سنگین سیاست در مسیر تفکرات این نحله بسیار موثر است و موضع گیری ها و استدلال های این جریان فکری به لحاظ سابقه تاریخی قابل تطبیق بر پیشینه سیاسی این جریان است. این جریان سیاسی نمایندگانی به ویژه در حوزه سیاست مانند محسن کدیور دارد.

اسماعیلی در نقد کتاب دین و دیکتاتوری به اغتشاش مفهومی و تنوع مفاهیم متعدد بدون ایضاح مفاهیم توسط نویسنده اشاره کرد و فضای فکری سروش محلاتی در آثارش را ناظر به رهبری و مدل حاکمیتی و جمهوری اسلامی دانست.

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی با تاکید براینکه تلقی محلاتی این است که جمهوری اسلامی یک نظام غیر دموکراتیک است خلط مفهومی و تنوع تلقی از مفاهیم را نقد مهمی به آثار سروش دانست. وی در ادامه تصریح کرد: مفاهیم کلیدی حداقل باید در کتاب‌ها و آثار سروش تبیین شوند.همچنین در آثار سروش محلاتی نقد عملکرد شخص رهبری بسیار به چشم می خورد و بسیاری از نقدهای محلاتی نقدهای غیر واقع بینانه است و خواننده را با ابهام و ایهام رها می کند.

وی در ادامه نقدهای خود به سروش محلاتی به صفحه ۱۱ کتاب دین و دیکتاتوری اشاره کرد و گفت: محلاتی طوری القا می‌کند که انگار عدالت تنها شرط رهبری است و صورت بندی های غیر واقعی به مخاطب ارائه می کند. سوال ما این است در کجای اندیشه سیاسی و عمل رهبر انقلاب تغلب و زور در حکمرانی مطرح است. عادل بودن حاکم شرط لازم و رهبری است اما تنها شرط نیست. ذیل اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ و ۱۱۱ قانون اساسی نظارت بر رهبری وجود دارد. محلاتی به راحتی این موارد را نادیده می‌گیرد. اسماعیلی افزود کیفیت تصاحب قدرت از ویژگی‌های دیگر دیکتاتوری است که محلاتی در آثار خود بیان می کند. محلاتی با بیان اینکه آیا زور مبدا و خاستگاه حاکمیت است؟ و آیا برای حق حاکمیت می توان از زور استفاده کرد؟ دیدگاه های اهل سنت و شیعه را جدا می کند. و تفکر شیعه را مخالف استفاده از زور میداند. اسماعیلی غلبه نگاه سیاسی بر دیدگاههای سروش را علت استنادهای ضعیف میداند و افزود به عنوان نمونه به استفاده نادرست از دیدگاه های آیت الله مصباح یزدی و اتهام به اینکه ایشان قائل به جبر و زور در دولت اسلامی اند اشاره کردند و این در حالی است که در صفحه ۷۳ کتاب درسهایی از ولایت فقیه آیت‌الله مصباح یزدی آمده است فقیه در اصل تاسیس هیچ گاه متوسل به زور و جبر نمیشود.

اسماعیلی با بیان اینکه محلاتی هیچ اشاره ای به دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نمی‌کند و در مقام تضعیف حاکمیت است افزود: رهبری در ۱۴ خرداد ۱۳۹۳ بیان می‌کنند هیچ قدرت و غلبه ای اگر از تغلب و زور باشد مورد قبول نیست... قهر و غلبه در نظام اسلامی جایی ندارد... قدرتی که از انتخاب و اراده مردم باشد مشروع است. چگونه است که محلاتی به دیدگاههای رهبری ارجاع نمی‌دهد. در جایی سروش محلاتی می‌گوید مطهری از نادر متفکرانی است که حکومت معصوم را با زور و غلبه مشروع نمی داند. واژه نادر بسیار تعجب برانگیز است! مگر ایشان بیانات حضرت آقا را نمی بینند.

این استاد دانشگاه تهران بیان کرد: محلاتی در بخش مشروعیت و جباریت کتاب می پرسد آیا امکان دیکتاتوری در حکومت دینی وجود دارد؟ وی در پاسخ مدعی است که قائلین نظریه انتصاب به تفکیک مقبولیت و مشروعیت قائل نیستند! جای سوال است آیا محلاتی در حکم انتصاب مرحوم بازرگان در صحیفه امام و تاسیس شورای انقلاب تفکیک مشروعیت و مقبولیت را درنمیابند. این ادعای محلاتی به شدت نادرست است و غیرقابل توجیه. امام قائل به انتصاب است، مشروعیت را از خدا می داند و مقبولیت را از اراده مردم. محلاتی غالباً به افرادی ارجاع می دهند که اندیشه شان بسیار متفاوت است. در آثار محلاتی بسیار به آیت الله مومن و دیدگاه های او ارجاع داده می‌شود و او را تئوریسین جمهوری اسلامی می‌داند و با نقد دیدگاه های مومن به تضعیف حاکمیت و رهبری نظام می پردازد. این در حالی است که دیدگاه های امام و رهبری وجود دارد و لزومی به انتصاب برخی دیدگاه ها به رهبری نیست. دیدگاه مقام معظم رهبری حتی متفاوت از امام است. رهبری علاوه بر مقبولیت و مشروعیت، کارآمدی را نیز به مشروعیت نظام می‌افزایند. رهبری انقلاب در جمع آقایان مصباح، مومن، هاشمی، شاهرودی در سال ۸۳ بیانات مربوط به کارآمدی نظام به عنوان مبنای مشروعیت را بیان می کنند.

اسماعیلی گفت: مفهوم دیگری در آثار سروش محلاتی وجود دارد با عنوان معصومه انگاری حاکمان. در نقد محلاتی باید گفت چه کسی به معصومیت ولی فقیه قائل است! رهبری در نظام جمهوری اسلامی رخ به رخ نقد می‌شود. تاج زاده روزی نیست که چندین توییت نقد بر ضد رهبری نزند. خود سروش محلاتی در بسیاری از مباحث به نقد رهبری می‌پردازد. رئیس‌جمهور گفتگوهایی انتقادی با رهبر دارند. چگونه است که محلاتی رهبر را قدرت نظارت ناپذیر می داند! محلاتی نظارت ناپذیری را از مولفه های نظام استبدادی میداند و اصرار دارد رهبری نظارت پذیر نیست! سروش محلاتی اصرار دارد انحراف بزرگی در جمهوری اسلامی بعد از سال ۸۸ رخ داده است و این که شاهد تغییر عمده سیره نظری امام هستیم. محلاتی با مقایسه آیت‌الله شهید بهشتی و آیت‌الله جنتی، مدعی است در دوران دوم(آیت الله جنتی) راهِ هر گونه تغییر در نظام بر مردم بسته شد. این در حالی است که آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله جنتی کاملاً به هم نزدیک بودند و از مسئولین قدیمی بوده اند. جنتی به لحاظ نظریه سیاسی خود کاملا شبیه رهبر انقلاب است و متفاوت از مصباح. جنتی منصوب امام در شورای نگهبان بود. تفکیک جنتی از بهشتی انکار بدیهیات است. اسماعیلی افزود آیا بعد از سال ۶۸ جمهوری اسلامی راه تغییر را بر خود بسته است! بعد از سال ۶۸ روسای جمهوری انتخاب شدند که رهبری مقید به مردم سالاری دینی آنها با آنها کار می کرد. مقبولیت برخی روسای جمهوری در پایان دوران خود بسیار کم